

اقدامات کردستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی

محقق: سیده حوریه محمدی راد

حوزه علمیه فاطمه الزهرا(س) کوی علوی

زمستان ۹۷

الحمد لله رب العالمين

فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
۳	اوضاع سیاسی کردستان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۴	تشکیل حزب دموکرات کردستان.....
۸	اوضاع سیاسی کردستان پس از پیروزی انقلاب.....
۱۱	اوضاع سنندج در فروردین ماه سال ۱۳۵۸.....
۱۳	ماجرای نقده.....
۱۴	آغاز مجدد جنگ در کردستان.....
۱۶	فاجعه زندان دلتو.....
۱۷	اتحاد حزب دموکرات با شورای ملی مقاومت (منافقین).....
۱۸	نتیجه گیری.....
۲۰	منابع:.....

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل فروپاشی اقتدار دولت مرکزی، در کردستان نیز همانند برخی دیگر از نقاط کشور وضعیت پیچیده ای حاکم شد و نیروهای سیاسی مختلف در کردستان درصدد جمع آوری نیرو و تقویت خط سیاسی خود برآمدند. سرانجام در جنگ پاره، رهبر انقلاب (ره) به دخالت مستقیم در این امر مجبور شدند و فرمان پاک سازی تمام مناطق از نیروهای ضد انقلاب را صادر کردند. ایشان با بیان این مطلب که حساب مردم کرد از توطئه گران جداست، استراتژی نیروهای نظامی را در برخورد با مسأله کردستان مشخص نمودند.

کلید واژه: انقلاب اسلامی، دموکرات، حزب کردستان

وجود اختلافات قومی و مرزی برای هر دشمنی غنیمت است. دشمنان همیشه سعی می کنند چنین اختلافاتی را به عنوان یک اهرم فشار در آستین روابط خارجی خود نگاه دارند. در جریان جنگ ایران و عراق شاهد بهره برداری غرب از احزاب و تشکل های کرد علیه جمهوری اسلامی هستیم. مهم ترین این موارد، تحریک حزب دموکرات کردستان به رهبری عبدالرحمن قاسملو می باشد که در آبان سال ۱۳۵۷ به تبع برهم خوردن ثبات سیاسی ایران، به عنوان دبیر کل حزب به تجدید سازمان و تقویت آن پرداخت. البته حزب دموکرات کردستان از حزب های با سابقه ی ایران است که در فضای سیاسی دهه ی ۱۳۳۰ به وجود آمد و با فراز و فرودهایی تداوم پیدا کرد. اما تقویت و تأثیر سیاسی مهم آن بیشتر به دوران پس از انقلاب اسلامی و نقش آن ها در حرکت های جدایی طلبانه و همکاری با رژیم صدام در جنگ علیه ایران مربوط می شود. پیوستن این حزب به شورای مقاومت ملی (مخالفان فراری جمهوری اسلامی در خارج از کشور) نیز یکی از نکته های مهم درباره ی آن است.

اوضاع سیاسی کردستان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

حرکت های تجزیه طلبانه در استان کردستان ایران، مدت ها پس از آغاز این گونه حرکت کردها در دو کشور ترکیه و عراق آغاز شد. استقلال خواهی کردها در ترکیه و عراق میراث شکست امپراتوری عثمانی، فروپاشی آن و تعهدی بود که کشورهای پیروز جنگ جهانی اول، در معاهده ی لوزان در مورد تشکیل کشور مستقلی برای کردها بودند. آغاز حرکت های استقلال طلبانه در کردستان ایران در واقع به جنگ جهانی دوم و تسلط نیروهای شوروی بر استان های آذربایجان و کردستان برمی گردد. یکی از مهم ترین دلایل تأخیر این گونه حرکت ها در کردستان ایران، آن بود که بر خلاف کردهای ترکیه و عراق که خود را از ریشه، نژاد و فرهنگ ترک و عرب نمی دانند، کردهای ساکن ایران خود را ایرانی می دانند.

نخستین تشکیلات سیاسی کردی در سال ۱۳۱۹ و به نام جمعیت رستاخیز کرد (کومله ژکاف) به طور مخفیانه در شهر مهاباد شکل گرفت که با اشتغال کردستان به دست نیروهای روس، فعالیت آن تا اندازه زیادی مختل شد.^۱ طی دوره ی تسلط نیروهای شوروی بر کردستان و آذربایجان، این کشور کوشید زمینه های لازم را برای الحاق این مناطق به آذربایجان شوروی فراهم کند. در این باره مقامات شوروی با حمایت از قاضی محمد - که وجهه ی مردمی در مهاباد داشت - به ایجاد تشکل های هم سو با منافعیشان اقدام کردند.^۲

تشکیل حزب دموکرات کردستان

در سال ۱۳۲۴ حزب دموکرات کردستان، به رهبری قاضی محمد موجودیت خود را در شهر مهاباد اعلام کرد. وی پس از مسافرت هایی که به شوروی داشت با مجاب کردن رهبران جمعیت رستاخیز کرد (کومله ژکاف) توانست زمینه ی تأسیس حزب دموکرات کردستان را فراهم کند. اساس نامه ی این حزب به شرح زیر اعلام شد:

۱- ملت کرد در داخل ایران در اداره ی امور ملی خود آزاد و مختار باشد و در حدود دولت ایران، منطقه کردستان را اداره کند.

۲- با زبان کردی بتواند تحصیل کند و به این زبان به رسمیت شناخته شود.

۳- انجمن ولایتی کردستان طبق قانون اساسی، به فوریت انتخاب و در تمام کارهای اجتماعی و دولتی نظارت و سرکشی کند.

۴- مأموران دولت در منطقه، باید از اهل محل باشند.

۵- تمام درآمد منطقه باید در خود منطقه صرف شود.

۶- حزب دموکرات کردستان خواهد کوشید بین ملت آذربایجان و اقوامی که در آن جا زندگی می کنند وحدت و برادری کامل برقرار کند.

^۱ - حمیدرضا جلالی پور، قاضی محمد، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹، ص ۵۳.

^۲ - همان، ص ۶۵.

۷- حزب دموکرات کردستان با استفاده از منابع طبیعی سرشار کردستان و پیشرفت امور کشاورزی، بازرگانی، فرهنگی و بهداشتی برای رفاه اقتصادی و معنوی ملت کرد مبارزه خواهد کرد.^۱

چهار ماه پس از تشکیل حزب، در ۲۵ آذر سال ۱۳۲۴ قاضی محمد در میدان چهار چراغ مهاباد تأسیس جمهوری خودمختار مهاباد را اعلام کرد. در این روز، وی خطاب به هوادارانش گفت: «مردم کرد مردمی تنها هستند. سرزمین شان غصب و تقسیم شده است و از ابتدایی ترین حقوق؛ یعنی حق تعیین سرنوشت بی بهره اند...»^۲.

وی سپس، با لباس افسران روسی و درجه ی ژنرالی، به عنوان فرمانده ی کل قوای کردستان از نیروهای خود دیدن کرد. این جمهوری را از نظر نیروی نظامی، حزب دموکرات کردستان عراق (بارزانی ها) و از نظر امکانات مالی و تجهیزات نظامی، شوروی تأمین می کرد.^۳ هنوز یک سال از عمر حزب دموکرات و تأسیس جمهوری مهاباد نگذشته بود که قوام السلطنه با دولت شوروی درباره ی چگونگی ترک نیروهای روس از ایران به توافق رسید.^۴

با خروج نیروهای شوروی از خاک ایران، نیروهای ارتش در زمستان ۱۳۲۴ بدون درگیری به مهاباد وارد شدند و پس از سه روز، قاضی محمد و سران حزب دموکرات را دستگیر کردند. صد روز بعد، زمانی که ارتش به طور کامل در شمال کردستان ایران مستقر شده بود. قاضی محمد، صدر قاضی و محمد حسین سیف قاضی در همان میدان چهار باغ مهاباد به دار آویخته شدند.^۵

پس از سقوط جمهوری مهاباد، اعدام قاضی ها، دستگیری تعدادی از اعضای کمیته ی مرکزی حزب دموکرات کردستان و فرار دیگر اعضای حزب به عراق، جنبش کرد در ایران عملاً فروپاشید.^۶

از سال ۱۳۲۸ تا پایان دوره ی نخست وزیری دکتر مصدق، حزب دموکرات کردستان، در همکاری با حزب توده، دوباره احیا شد، اما پس از کودتای ۲۸ مرداد، بار دیگر فعالان حزب دموکرات در کردستان سرکوب شدند. نکته ی

^۱ - حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه ۱۳۷۲، ص ۵۳.

^۲ - عبدالرحمن قاسملو، چهل سال مبارزه در راه آزادی، بی جا، انتشارات حزب دموکرات کردستان، بی تا، ص ۴.

^۳ - ایگنون، جمهوری ۱۹۴۶، ترجمه صمدی، بی نا، بی تا، ص ۱۱۳.

^۴ - کردستان، امپریالیزم و گروه های وابسته، بی جا، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۲۳.

^۵ - حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۵۶.

^۶ - همان، ص ۵۷.

در خور توجه آن که در این دوره، روابط خوبی بین دو حزب دموکرات کردستان ایران و حزب دموکرات کردستان عراق وجود داشت.^۱

در سال ۱۳۳۶، اعضای شورای حزب دموکرات کردستان بار دیگر فعالیت های خود را با کمک خود به توده آغاز کردند و عبدالله اسحاقی (احمد توفیق)^۲ کوشید تا در خارج از کشور به تشکیلات حزب سرو سامان دهد. اما از آن جا که درباره خط مشی مبارزه با حزب توده اختلاف نظر داشت نتوانست هیچ حرکت چشم گیری انجام دهد و از این زمان به بعد حزب دموکرات ارتباطش را با حزب توده قطع کرد. در همین ایام، عبدالرحمن قاسملو و غنی بلوریان - از اعضای اصلی حزب - دستگیر شدند. البته قاسملو به علت همکاری و انتشار نام عده ی زیادی از اعضای حزب آزاد شد، اما بلوریان تا سال ۱۳۵۷ در زندان ماند.^۳

در سال ۱۳۴۳ کنگره ی دوم حزب در کوی سنجاق عراق تشکیل گردید و عبدالله اسحاقی به دبیر کلی آن انتخاب شد. در این دوره ملا مصطفی بارزانی نفوذ زیادی روی حزب داشت و با توجه به کمک های شاه ایران به حزب دموکرات کردستان عراق، وی نقش زیادی در برقراری امنیت در کردستان ایران و کنترل عملیات های حزب دموکرات کردستان ایفا کرد.^۴ در جریان کنگره ی دوم، به پیشنهاد اسحاقی، قاسملو به علت خیانت به جنبش کرد و همکاری با ساواک از حزب اخراج شد و به چکسلواکی رفت.^۵

در سال ۱۳۴۶، یک کمیته ی انقلابی با خط مشی مسلحانه، به عنوان حزب دموکرات از حزب توده جدا شد و عده ای از آن ها هم چون اسماعیل شریف زاده، سلیمان معینی، عبدالله معینی و ... به کردستان ایران وارد شدند و برای تکمیل حزب به عضوگیری پرداختند. خلع سلاح یکی از پاسگاه های ژاندارمری پیران شهر، از جمله اقدامات

^۱ - چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، حزب دموکرات کردستان، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۷.

^۲ - یکی از بنیان گذاران کمیته ی مهاباد و از اعضای جوان حزب دموکرات بود. کریس کوچرا، جنبش ملی گرد، ترجمه : ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات نگاه ، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸م

^۳ - چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، حزب دموکرات کردستان، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۸.

^۴ - کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸.

^۵ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

چشم گیر این افراد بود. آن ها حدود ۲۰۰ نفر عضو داشتند که در قالب نه دسته در شمال کردستان فعالیت می کردند. در سال ۱۳۴۷، نیروهای ژاندارمری، ۱۰۴ نفر از آن ها را دستگیر کردند و ۲۳ نفر از آن ها را اعدام نمودند.^۱ تشکیل سومین کنگره ی حزب دموکرات در سال ۱۳۵۲ - با فاصله ی زمانی ده سال از کنگره ی دوم - نشان دهنده ی رکود و فعالیت های حزب بود. در این کنگره، حزب دموکرات مشی مسلحانه را به عنوان شکل اساسی مبارزه برگزید و عبدالرحمن قاسملو به سمت رهبری حزب انتخاب شد.^۲ از آن جا که طی این دوره، بین حکومت ایران و حزب دموکرات کردستان عراق روابط خوبی برقرار بود رژیم عراق به حمایت از حزب دموکرات کردستان ایران پرداخت.

وضعیت کردستان در آستانه ی انقلاب اسلامی

همزمان با اوج گیری مبارزات انقلابی مردم ایران در سال ۱۳۵۷، سه جریان سیاسی کردی در مناطق کردنشین ایران فعال بودند:

الف - حزب دموکرات کردستان ایران که پس از کنگره ی سوم و تعیین عبدالرحمن قاسملو به عنوان رهبر حزب تجدید سازمان یافته بود.

ب - حزب کومله که مرکز آن در شهر سنندج بود. این حزب نخست با نام تشکل دانشجویان کرد مطرح شد و از نظر گرایش سیاسی و ایدئولوژیک، مائوئیست بود. به اعتقاد آن ها نخست کردستان و سپس ایران را می توان با به راه انداختن مبارزات دهقانی در روستاها از طریق یک سازمان پیشتاز نجات داد! باید یادآور شد که در اوایل انقلاب این حزب نخست با نام سازمان انقلابی زحمت کشان ایران (کومله) فعالیت می کرد؛ اما از سال ۱۳۶۰ به بعد به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد.^۳

^۱ - کریس کوچرا، همان، ص ۲۳۸.

^۲ - کردستان، امپریالیزم و گروه های وابسته، بی جا، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۲۶.

^۳ - حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۵۹.

ج - جمعیت جوانان مسلمان کرد که رهبری آن را احمد مفتی زاده عهده دار بود. این گروه به دلیل گرایش های سیاسی ایدئولوژیک با دو حرکت قبلی تفاوت داشت. اما در مسأله ی خودمختاری کردستان با آن ها هم رأی بود^۱. غیر از احزاب و گروه های کردی که به دنبال منافع حزبی و قومی بودند جریان طرفداران انقلاب اسلامی نیز در منطقه ی کردستان وجود داشت.

با آغاز انقلاب اسلامی در ایران، مردم کردستان نیز مانند دیگر مناطق کشور به صف مبارزه علیه رژیم پهلوی پیوستند. البته کردستان نسبت به استان هایی مانند: اصفهان، تبریز، قم و ... دیرتر به جریان انقلاب پیوست و در خود کردستان نیز سنج دیرتر از مهاباد به صحنه وارد شد. نخستین تظاهرات در ۱۸ خرداد ماه سال ۱۳۵۷ در مهاباد در جریان تشییع جنازه ی عزیز یوسفی (از زندانیان سیاسی که در زندان درگذشته بود) رخ داد که به دستگیری عده ای توسط ساواک منجر شد. در سنج نیز نخستین تظاهرات در روز پانزدهم مردادماه برای پشتیبانی از اعتصاب غذای ۲۴ روزه ی زندانیان سیاسی به راه افتاد. بعد از این وقایع موج راهپیمایی و تحصن سراسر منطقه را فرا گرفت و اهالی کردستان مانند مردم سراسر کشور در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کردند و در روز ۲۲ بهمن ماه مردم مناطق کردنشین به مراکز نظامی مانند شهربانی ها، ژاندارمری ها و ... هجوم آوردند و این مراکز را به تصرف خود درآوردند^۲.

اوضاع سیاسی کردستان پس از پیروزی انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل فروپاشی اقتدار دولت مرکزی در کردستان نیز همانند برخی دیگر از نقاط کشور وضعیت پیچیده ای حاکم شد. نیروهای سیاسی مختلف در کردستان در صدد جمع آوری نیرو و تقویت خط سیاسی خود بر آمدند. در آبان ماه سال ۱۳۵۷ عبدالرحمن قاسملو (دیر کل این حزب) از مرز کردستان عراق به کردستان ایران وارد شد و فعالیت مجدد حزب دموکرات را با شعار خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران آغاز کرد.

^۱- همان، ص ۶۱.

^۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

تمرکز حرکت های سیاسی - نظامی این حزب در شمال کردستان به ویژه در شهر و منطقه مهاباد بود. در این دوره حدود ۲۵۰ نفر به این حزب پیوستند.^۱ حزب دموکرات بلافاصله در تدارک خلع سلاح پادگان مهاباد و تسلیح خود در تمام مناطق برآمد. در واقع حزب درصدد بود بیشترین اسلحه و نیرو را در کردستان فراهم آورد تا با تقویت موقعیت و تحمیل رهبری خود در تمام منطقه نظام نوپای جمهوری اسلامی را بر تحمیل امتیازات بیشتر و کسب قدرت سیاسی در کردستان تحت فشار گذارد. حزب در تعقیب این استراتژی بلافاصله شعبه های خود را در بیشتر مناطق کردستان بر پا کرد.^۲

در این دوره جریان های طرفدار نظام - نظیر حزب جمهوری اسلامی - و در کل دیگر احزاب در کردستان ضعیف بودند و تنها مریوان و سنندج پایگاه داشتند که آن ها هم به رغم کوشش فراوان در مقابل فعالیت گسترده جریان های مزبور (چپ و عوامل وابسته) از قدرت بسیج کمتری برخوردار بودند.^۳

در این زمان، در بیشتر مناطق کردنشین بازار خرید و فروش اسلحه به شدت رونق گرفت. در چنین جو هرج و مرجی از نیروهای سیاسی گرفته تا بسیاری از مردم عادی همه در فکر مسلح شدن بودند به طور کلی در دوره ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی که نظام هنوز پی تدارک استقرار نهادهای انقلابی خود برای تحقق آمال مردم بود، در کردستان گروه هایی مانند کمونیست ها، لیبرال ها، ملی گراها و سلطنت طلبان هریک درصدد تقویت قدرت خود و مقابله با استقرار نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی در این منطقه بودند.

چهار روز پس از فرار شاه از کشور حزب دموکرات اعلام کرد: «خواست های ملی خلق کرد در چهارچوب ایران آزاد حل شدنی است و تکلیف نوع حکومت کشور باید در همه پرسی آزاد و به دور از هر نوع فشار روشن شود.»^۴

^۱ - حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۵۸.

^۲ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

^۳ - همان، کد ۴۸۷، مسائلی درباره کردستان و گروه ها.

^۴ - روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۰/۳۰.

فروهر ابتدا با شیخ عزالدین حسینی^۱ را ملاقات کرد و وی بلافاصله نمایندگان شورای شهرهای کردستان را برای مذاکره با نماینده دولت فراخواند. در ۲۹ بهمن ماه جلسه ای با شرکت نمایندگان دو طرف تشکیل شد که از طرف کردها شیخ عزالدین حسینی و شیخ جلال، تعدادی از روحانیون منطقه، عبدالرحمن قاسملو، غنی بلوریان و تعدادی از فعالان حزب دموکرات، نمایندگان سازمان چریک های فدایی و افراد متفرقه ی دیگر حضور داشتند.^۲ در روز ۳۰ بهمن ماه این نمایندگان طرح هشت ماده ای خود را به فروهر تحویل دادند و او پاسخ به این طرح را در صلاحیت دولت موقت دانست.^۳ از جمله شرایط این طرح منوط کردن جا به جایی نیروهای ارتش در منطقه کردستان به هماهنگی با حزب دموکرات و نیز کاهش نیروهای نظامی در منطقه ی کردستان بود. در واقع، هدف حزب کرد از مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی، رسمیت دادن به خودمختاری کردها بود. در این زمینه عبدالرحمن قاسملو به نمایندگان اعزامی از تهران گفت: «هم اکنون ما در کردستان خودمختاری داریم و تنها باید دولت ایران به آن رسمیت دهد و گرنه کردستان آتش می گیرد.»^۴

در چنین اوضاعی در همان روز، حزب دموکرات ملی برنامه ای از پیش تدارک شده ای، پادگان تیپ ۳ مهاباد را خلع سلاح کرد. عده ای از کارکنان پادگان که از افراد حزب بودند علیه فرمانده ی پادگان دست به عمل شده و آن جا را تصرف کردند، آن ها سرگرد عباسی را که از افراد حزب دموکرات بود به عنوان فرمانده پادگان برگزیدند. این عمل حزب نخستین مخالفت آشکار با جمهوری اسلامی بود، در واقع حزب فرصت طلبانه از موقعیت ناآرام پس از پیروزی انقلاب سوء استفاده می کرد تا زمینه آماده سازی اقدامات بعدی خود را فراهم کند.^۵

به طور کلی حرکت های مسلحانه گروه های کرد پس از پیروزی انقلاب را می توان به چهار مقطع زمانی تقسیم کرد: «مقطع نخست: وقایع سال ۱۳۵۸ را شامل می شود که عمده ترین آن ها سقوط پادگان و هنگ ژاندارمری

^۱ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۵۱۶، حزب دموکرات کردستان. شیخ عزالدین امام جمعه غیر رسمی مهاباد قبل از انقلاب و عنصر مرتبط با کومله.

^۲ - همان، کد ۵۵۲۱، حزب دموکرات کردستان.

^۳ - همان، کد ۲۴۱۶، بررسی مسأله کردستان.

^۴ - حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه ۱۳۷۲، ص ۶۷-۶۶.

^۵ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

مهاباد و پاسگاه های ژاندارمری، جنگ نقده، فرمان امام (ره) در شکستن محاصره پاوه و سپس آزادسازی شهرهایی مانند: بانه، سردشت، مریوان و ... بود. مقطع دوم: وقایع سال های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ را در بر می گیرد که با تجاوز ارتش عراق و هم زمان با آن تشدید اقدامات نیروهای حزب دموکرات و حزب کومله همراه بود. این حزب کوشیدند تا جبهه ی کردستان را فعال نگه دارند و بدین ترتیب، بخشی از نیروهایی را که باید برای مقابله با ارتش عراق به کار گرفته می شد در این منطقه مشغول کنند. مقطع سوم: وقایع سال های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ را شامل می شود. طی این سال ها قرارگاه سیدالشهداء (ع) متشکل از نیروهای سپاه و ارتش و ژاندارمری شکل گرفت و با استقرار در منطقه توانست امنیت را در شهرها، روستاها، جاده های اصلی و مرزهای کردستان ایران با عراق تأمین کند و با پاک سازی پایگاه های نیروهای کرد آن ها را از کردستان ایران به کردستان عراق براند.^۱ مقطع چهارم: از سال ۱۳۶۴ تا پایان جنگ را در بر می گیرد. پس از سال ۱۳۶۴ و فعال شدن قرارگاه رمضان در کردستان عراق، به ویژه با تغییر استراتژی عملیاتی ایران در تغییر جبهه از جنوب به شمال، دامنه فعالیت های نظامی حزب دموکرات کاهش یافت و گرایش به همکاری با جمهوری اسلامی ایران و حل و فصل اختلافات از طریق سیاسی رشد بیشتری یافت.

اوضاع سنندج در فروردین ماه سال ۱۳۵۸

پس از پیروزی انقلاب، دو کمیته در شهر سنندج تشکیل شد. مسئول یکی از این کمیته ها را صفدری (یک روحانی مبارز) عهده دار بود که بیش از یک سال سرپرستی حسینی سنندج را بر عهده داشت و در جریان انقلاب نقش مؤثری ایفا کرد. وی همزمان با سرپرستی کمیته ی مزبور، سرپرستی ستاد لشکر سنندج را نیز بر عهده داشت.^۲ کمیته ی دیگری نیز در محل استانداری ایجاد شده بود که احمد مفتی زاده رئیس جمعیت جوانان مسلمان کرد، مسئول آن بود. از همان آغاز وی با اعلام مخالفت با صفدری، خود را تنها رهبر مذهبی - سیاسی کردستان

^۱ - حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۷۲، ص ۶۷-۶۶.

^۲ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

دانست^۱ و در سفرهایی که به تهران داشت مرتباً از مقامات درخواست می کرد صفدری از سنندج اخراج گردد و کمیته ی او اداره شهر را بر عهده داشته باشد و معاونش (خسروی) نیز به عنوان استاندار استان کردستان انتخاب شود.^۲

در روز ۲۷ اسفند ماه افراد مفتی زاده عده ای از مردم را تحریک کردند تا برای گرفتن اسلحه و مهمات به کمیته ی تحت حمایت صفدری حمله کنند در نتیجه تیراندازی نیروهای دو طرف، یک نفر کشته و دو نفر زخمی شدند. پس از این واقعه، افراد تحریک شده به سوی پادگان ژاندارمری حمله و اسلحه و مهمات ژاندارمری را غارت کردند. پس از خلع سلاح ژاندارمری، عده ای به سمت پادگان ارتش رفتند اما با مقاومت پادگان روبرو شدند، در این بین افراد مفتی زاده کمیته ی صفدری را محاصره کردند و چند نفر از افراد آن را به شهادت رساندند. از روز ۲۸ اسفندماه تمامی گروه های کرد (حزب دموکرات، کومله و فداییان) نیروهای شان را از تمام مناطق کردستان جمع آوری نموده و به سمت سنندج حرکت کردند و بدین ترتیب شهر به حالت نظامی درآمد.^۳

در نخستین روز فروردین ماه سال ۱۳۵۸ هیأتی از تهران برای از بین بردن جو تشنج و پایان دادن به جنگ به سنندج وارد شد. این هیأت (متشکل از آیت الله طالقانی، شهید بهشتی، هاشمی رفسنجانی، بنی صدر و حاج سید جوادی) با مفتی زاده، شیخ عزالدین، قاسملو، غنی بلوریان و نمایندگان کومله و چریک های فدایی به مذاکره پرداختند.^۴ در جریان مذاکرات شورای موقت آیت الله طالقانی و هیأت اعزامی از تهران، جو تشنج تا حدودی از بین رفت و قرار شد مذاکره تصرف شده تخلیه شوند. برای تأسیس شورای شهر انتخابات انجام گیرد و شورای موقت نیز منحل شود. بدین ترتیب ابراهیم یوسفی نیز از طرف وزیر کشور به عنوان استاندار انتخاب و غائله به

^۱ - همان، کد ۶۳۷، تحلیل وقایع کردستان.

^۲ - همان.

^۳ - همان، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

^۴ - همان.

طور موقت پایان یافت؛ اما گروه‌ها به شدت از آن استفاده تبلیغاتی کردند و در شهرهای بانه و سقز، تظاهراتی با شعار «ارتش ضد خلقی نابود باید شود» به راه افتاد.^۱

ماجرای نقده

حزب دموکرات که عملاً نتوانسته بود در جریان‌های سنندج موقعیتی کسب کند، درصدد برآمد در شمال مناطق کرد نشین نفوذ یابد. پس از پیروزی انقلاب، کمیته‌ای با شرکت نیروهای کرد و آذری در نقده تشکیل شد که هر دو گروه به طور مشترک آن را اداره می‌کردند. اما پس از مدتی، به دلیل اختلافات پیش آمده، انشقاق پدید آمد. بدین ترتیب، کمیته‌ای با سرپرستی ابراهیم محور در نقاط ترک نشین و کمیته‌ی دیگری به رهبری ملا صالح رحیمی در مناطق کردنشین نقده تشکیل شد. اوضاع متشنج در شرایطی در نقده پدید آمد که عده‌ای از سران نظامی سلطنت طلب – مانند اویسی – در نزدیکی مرز ایران در خاک ترکیه به توطئه چینی علیه انقلاب اسلامی مشغول بودند و به احتمال زیاد عوامل آن‌ها در پدید آوردن این اختلاف نقش داشتند.^۲

در این شرایط، حزب دموکرات برای قدرت نمایی، به مناسبت بازگشت دفتر حزب در نقده اعلام میتینگ کرد و محل آن را هم عمداً در محلات آذری نشین قرار داد.^۳ در روز سی و یکم فروردین ماه سال ۱۳۵۸، میتینگ با شرکت بیش از پانزده هزار نفر برگزار شد که از نقاط دیگر کردستان نیز به نقده آمده بودند. آن‌ها پس از راهپیمایی در محل استادیوم شهر جمع شدند و با شلیک تیره‌وایی به کشتار مردم و غارت خانه‌های آن‌ها اقدام کردند. تلاش مسئولان کمیته‌ها برای آتش بس به جایی نرسید و سرانجام، در تاریخ دوم اردیبهشت ماه با ورود ارتش و قرار گرفتن آن بین دو طرف، درگیری‌ها کاهش یافت و با ورود سپاه پاسداران مرکز شهر آرام شد. سرانجام قدرت

^۱ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

^۲ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۴۸۷، مسائلی درباره کردستان و گروه‌ها.

^۳ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸۶، حزب دموکرات کردستان.

نمایی و جنگ افروزی حزب دموکرات و عده ای از فئودال ها و عوامل ساواک با کشته و زخمی شدن تعدادی از مردم بی گناه کرد و آذری پایان یافت.^۱

در این هنگام دیگر مناطق کردستان نیز وضعیت متشنجی داشتند. در مرداد ماه سال ۱۳۵۸، نیروهای اصیل انقلاب به بیرون راندن گروه های ضد انقلاب از منطقه کردستان معتقد بودند، چرا که هر روز این گروه ها جنگ تازه ای را در گوشه ای از کردستان به نیروهای انقلاب تحمیل می کردند. سرانجام در جنگ پاوه، رهبر انقلاب (ره) به دخالت مستقیم در این امر مجبور شدند فرمان پاک سازی تمام مناطق از نیروهای ضد انقلاب را صادر کردند. ایشان با بیان این مطلب که حساب مردم کرد از توطئه گران جدا است، استراتژی نیروهای نظامی را در برخورد با مسأله کردستان مشخص کردند. در آن زمان، شهید دکتر چمران فرماندهی نیروهای نظامی را در شهر پاوه بر عهده داشت. بدین ترتیب، نیروهای ارتش و سپاه طی عملیات های پی در پی توانستند ضمن آزادسازی شهر پاوه به تدریج، دیگر نواحی کردستان را نیز آزاد کنند. در بیست و هشتم مردادماه گروهک ها - که هنوز آمادگی درگیری در تمام جبهه ها را نداشتند - با نشان دادن مقاومت اندکی در سقز و مهاباد تمامی شهرهای کردنشین آذربایجان غربی را تخلیه و به نقاط دوردست کوهستانی و مرزی فرار کردند. در آغاز، رهبران حزب دموکرات به عراق رفتند و در آن جا زیر چتر حمایت رژیم بعث قرار گرفتند.^۲ این گروهک ها که نتوانستند در مقابل حمله نیروهای سپاه و ارتش مقاومت کنند جنگ چریکی را در منطقه آغاز کردند از این رو - به لحاظ نامنظمی و عدم تمرکز این گونه جنگ ها - پاک سازی گروهک های مذکور عملاً دشوار گردید.^۳

آغاز مجدد جنگ در کردستان

در بهار سال ۱۳۵۹ پس از به بن بست رسیدن کامل مذاکرات هیأت نمایندگی کرد با هیأت حسن نیت از شمال و جنوب کردستان جنگ مجددی به جمهوری اسلامی تحمیل شد. در شمال، حزب دموکرات به نیروهای ارتش و

^۱ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸۶، حزب دموکرات کردستان.

^۲ - همان، کد ۹۴۸، اوضاع کردستان (مصاحبه و گزارش های رسانه های داخلی و خارجی)

^۳ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸، اوضاع کردستان (مصاحبه ها و گزارش های رسانه های داخلی و خارجی)

سپاه حمله کرد و جنگ سختی درگرفت. در جنوب نیز گروهک ها راه را بر ستون نظامی بزرگی که از مسیر کامیاران آمده بود و قصد ورود به پادگان سنندج را داشت، سد کردند. توجیه رهبران حزب دموکرات این بود که ستون مزبور برای اشغال شهر آمده است. هرچند طی مذاکراتی قرار شد این نیروها از راهی فرعی به پادگان دسترسی یابند. اما در بین راه، عوامل گروهک ها به نیروهای ارتش حمله و عده ای را کشته و زخمی کردند. با این حال، این نیروها خود را به پادگان رساندند. همزمان در بانه و مریوان نیز جنگ آغاز شد و حزب های کومله و دموکرات دو پایگاه را در نزدیکی سردشت خلع سلاح کردند. از آن جا که گروهک ها فکر می کردند توان مقاومت در شهرها را دارند، به ویژه در سنندج همه ی مناطق را سنگربندی کردند و بدین ترتیب جنگ سختی آغاز گردید که بیست و چهار روز طول کشید و طی آن عده زیادی از مردم کشته و مجروح شدند.

به هر ترتیب پس از یک ماه شهرهای سنندج، مریوان، بانه، سقز و سردشت آزاد شدند.^۱ در پاییز سال ۱۳۵۹ مهاباد نیز پس از یک سال، طی نبرد سنگینی از اشغال گروه های ضد انقلابی بیرون آمد. در شهریور ماه سال ۱۳۵۹ ستونی از نیروهای ارتش با هدف رفتن به مناطق مرزی برای جلوگیری از اشغال منطقه توسط ارتش عراق از بانه به سمت سردشت حرکت کرد. اما در تمام طول مسیر، همزمان با حمله ی نیروهای متجاوز عراق به خاک میهن و اشغال بخش هایی از آن، افراد حزب دموکرات و دیگر گروه ها به این نیروها حمله کردند.

چند روز بعد، در حالی که ارتش بعثی از طریق مرزهای پیران شهر می کوشید این منطقه را اشغال کند، نیروهای حزب دموکرات در هماهنگی با آن ها، به پادگان های پیران شهر و پناه حمله کردند تا این مراکز را خلع سلاح کنند اما بر اثر مقاومت رزمندگان ارتش و سپاه، سرانجام شکست خورده و از پیران شهر خارج شدند. در همان زمان حزب دموکرات نیروهایی را برای اشغال ارومیه اعزام کرد. این اقدام نیز پس از کشته شدن دویست نفر از نیروهای

^۱ - همان، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

حزب به شکست انجامید. بدین ترتیب ماهیت حزب دموکرات که ادعای رهبری مردم کردستان را داشت، بیش از پیش آشکار شد.^۱

در اواخر سال ۱۳۵۹ تلاش وسیعی بین سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و حزب دموکرات برای ایجاد جبهه ی واحدی علیه جمهوری اسلامی آغاز شد و در اوایل سال ۱۳۶۰ سازمان مجاهدین به صراحت از حزب دموکرات پشتیبانی کرد.

فاجعه زندان دلتو

بمباران زندان دلتو، یکی از فاجعه هایی بود که رژیم بغداد با همکاری حزب دموکرات انجام داد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰، جلیل گادانی، فتاح کاویانی و ایرج سلطانی (یک خلبان فراری) به نمایندگی از طرف حزب دموکرات با سرهنگ غیار عبدالرضا و رشید صالح (از افسران حزب بعث مستقر در اداره استخبارات کرکوک) ملاقات کردند. در این ملاقات بر سر بمباران زندان دلتو توافق شد که عده ای از نیروهای سپاه، کمیته، ارتش و جهاد سازندگی در آن محبوس بودند. براساس این توافق هفدهم رديبهشت ماه سال ۱۳۶۰ زندانیان برخلاف هر روز که به بیگاری برده می شدند، در حیاط زندان نگه داشته شدند و نگهبانان زندان نیز از پنجاه نفر به دوازده نفر کاهش یافتند. حتی افراد مختلف حزب دموکرات از این زندان به محل های دیگری منتقل شدند و بدین ترتیب، همه چیز آماده بود. صبح آن روز، هواپیماهای عراق، با هدایت حزب، ساختمان زندان را به شدت بمباران کردند. طبق گفته بازماندگان فاجعه، نیروهای حزب نجات یافتگان را از ارتفاعات هدف قرار می دادند و در مجموع صد و سی نفر را شهید و مجروح کردند.^۲

حزب دموکرات در مقابل واکنش های مختلف در مورد این جنایت همکاری خود را با رژیم بعثی عراق انکار کرد و عبدالرحمن قاسملو به رغم همکاری گسترده حزب با رژیم عراق، جنگ ایران با عراق را بهانه ای برای سرکوب

^۱ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۲۸۷۷، اخبار وقایع کردستان.

^۲ - منافقین و جنگ تحمیلی، مروی بر عملکرد منافقین ۲، بی جا، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۴۷-۱۴۵.

کردها دانست و مدعی شد که در آغاز جنگ با عراق، حزب دموکرات کردستان آمادگی چریک‌های کرد را برای همکاری با ارتش ایران اعلام کرده است.^۱

اتحاد حزب دموکرات با شورای ملی مقاومت (منافقین)

شورای ملی مقاومت با تلاش ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی در تاریخ سی‌ام تیرماه سال ۱۳۶۰ بنیان گذاشته شد و از همان آغاز احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف ضد انقلاب به این شورا پیوستند.^۲ اعضای شورای ملی مقاومت را سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، حزب دموکرات کردستان، جبهه دموکراتیک ملی ایران، شورای متحد چپ، سازمان استادان متعهد دانشگاهیان ایران، کانون توحیدی اصناف، سازمان اتحاد برای آزادی کار و سازمان اقامه تشکیل می‌دادند. البته بعدها حزب کار ایران، جنبش زحمت‌کشان گیلان و مازندران، اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران) و سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز بدان پیوستند. شخصیت‌هایی مانند کاظم باقرزاده، منوچهر هزارخانی، ناصر پاکدامن، اصغر ادیبی، حمید زیرک‌باش و یکی از کادرهای مطبوعاتی و اداری ایران که نام او تاکنون اعلام نشده است نیز به طور فردی عضو این شورا بودند.^۳

طبق اساس نامه مصوبه شورای ملی مقاومت، مسئولیت تشکیل دولت موقت و تعیین وزیران بر عهده مسعود رجوی گذاشته شد و مقرر گردید دولت موقت حداکثر شش ماه پس از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی تداوم داشته باشد و عمر آن با تشکیل مجلس مؤسسان پایان یابد.^۴

پیوستن حزب دموکرات کردستان به شورای ملی مقاومت برای شورا، بسیار حیاتی و مهم بود؛ چرا که از یک سو این حزب برخلاف دیگر گروه‌ها و احزاب عضو به استثنای سازمان مجاهدین، جنبه فردی و یک نفره نداشت بلکه یک تشکل به حساب می‌آمد و از سوی دیگر حزب دموکرات - منطقه کردستان - منطقه ای که از همان آغاز انقلاب اسلامی بحرانی محسوب می‌شد - با عضویت در «کانون بحران» این شورا، به شورا این امکان را می

^۱ - همان، ص ۱۴۳.

^۲ - نشریه چشم انداز، شماره ۲۱، ص ۵۵.

^۳ - پشت صفحه نوشته شده است.

^۴ -

داد که بخشی از عملیات های خود را از این منطقه سازماندهی کند. حزب دموکرات نیز در قبال این پیوستن امتیازهایی را خواستار بود. از این رو، به عنوان مبارزات حق طلبانه ی مردم کردستان در اسناد شورا بسنده نکرد و خودمختاری کردستان را خواستار شد. سازمان مجاهدین مخالفت برخی از اعضای شورا با این تصمیم را اعلام کرد و موافقت آن ها را به تهیه طرحی در این مورد منوط دانست. بر این اساس، در خرداد ماه سال ۱۳۶۲، سه نفر از اعضای شورا به نام هادی مهدی خان بابا تهرانی، بهمن نیرومند و نوری دهکردی برای تهیه طرح مورد نظر به کردستان سفر کردند و به مدت بیست روز با دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکرات مشغول گفت و گو بودند. در نتیجه، کمیسیونی با شرکت اعضای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکرات و نمایندگان شورا، طرح خودمختاری را تهیه کرد. محدوده استان کردستان نخستین موضوع مورد اختلاف بنی صدر و حزب دموکرات بود. حزب دموکرات

نتیجه گیری

روند شکل گیری و فعالیت حزب دموکرات کردستان، نشان دهنده بهره گیری این حزب از سه عامل مهم زیر است:

- ۱- نزدیکی به دولت های بیگانه برای تأمین سلاح و پشتیبانی سیاسی
- ۲- بهره گیری از ویژگی ها و مطالبات قومی مردم کردستان
- ۳- استفاده از ضعف دولت مرکزی در ایران. در هر برهه از تاریخ، که سه عامل مزبور از نظر اهداف، سیاست و روند تحولات با هم و در سمت و سوی واحدی قرار گرفته اند، بحران کردستان و فعالیت های حزب دموکرات افزایش یافته و هدف های آن در سیری صعودی قرار گرفته و بزرگ تر شده اند. هرچند این حزب از احساسات قومی مردم کردستان بهره می گیرد، اما تلاش های آن بدون وجود بحران، در مرزها و کشورهای همسایه و حمایت دولت های بیگانه به جایی نمی رسد. از سوی دیگر در صورت آشکار شدن نزدیکی این حزب به دولت های

بیگانه، حزب مذکور با بحران مشروعیت و پایگاه اجتماعی روبرو می شود و از درون، جایگاه خود را از دست می دهد.

در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت بعث عراق و حزب دموکرات و دیگر گروهک ها هدف سیاسی مشترکی مبنی بر سرنگونی نظام نوپای جمهوری اسلامی داشتند؛ موضوعی که به همکاری گسترده و فراگیر رژیم صدام از یک سو و حزب دموکرات و گروهک های دیگر از سوی دیگر انجامید. در نتیجه، رژیم عراق امکانات فراوانی را در اختیار این گروهک ها گذاشت. در وهله ی نخست، دولت عراق به احزاب دموکرات و کومله اجازه داد مراکز سیاسی و نظامی و نیز پایگاه های آموزشی شان را در کردستان عراق و در نزدیکی مرزهای ایران مستقر کنند. هم چنین، دولت عراق پذیرفته بود سلاح، تجهیزات نظامی و کمک های مالی در اختیار آن ها قرار دهد. افزون بر این، حزب بعث امکانات تبلیغاتی در شمال این کشور در اختیار حزب دموکرات و گروهک های دیگر قرار داد که از آن جمله می توان به فراهم کردن فرستنده های رادیویی برای انجام تبلیغات علیه انقلاب اسلامی و تشویق کردهای ایران به شورش علیه دولت مرکزی اشاره کرد. کادر مرکزی و دیگر عناصر حزب دموکرات، از امکانات فرودگاهی عراق برای سفر به دیگر نقاط جهان نیز استفاده می کردند.

منابع:

- ۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۲- ایگنتون جمهوری ۱۹۴۶، ترجمه: صمدی، بی جا، بی تا، بی نا.
- ۳- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، حزب دموکرات کردستان، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۴- حمید شوکت، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، پاریس، بی نا، ۱۳۶۸.
- ۵- حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
- ۶- حمیدرضا جلالی پور، قاضی محمد، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۷- کردستان، امپریالیزم و گروه های وابسته، بی جا، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹.
- ۸- کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۷.
- ۹- منافقین و جنگ تحمیلی، مروری بر عملکرد منافقین ۲، بی جا، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
- ۱۰- نشریه چشم انداز.